

به پروار بستن "بخش خصوصی" به حساب توده ها خیانتی است به خلق و خدمت به امپریالیسم

چنین وظیفه سترگی همه آن ادعاها و سخن پردازی ها ترغیب و فریبی بیش نیست. موقیبت در این پیکار در گرو تحقق یافتن يك پيش شرط اساسی است، پيش شرطی كه در نهاد نیروهای سازنده و پردازنده همه نعمت های مادی و فرهنگی جامعه نهفته است. يك نظام اقتصادی در خلاء برقرار نمی شود و با انسان های مکانیکی جان نمی گیرد. هیچ برنامه پنج ساله و پنجاه ساله "توسعه

ادامه در ص ۳

آن دولتی كه از استقلال دم می زند و مدعی است كه در راه بر انداختن موانع رشد مادی و فرهنگی جامعه مبارزه می كند، پيش از هر چیز با يك وظیفه خطیر تاریخی- استراتژیکی رودر رو است كه آن را با هیچ وظیفه دیگری نمی توان جایگزین ساخت. آن وظیفه بزرگ همانا پیکار برای دگرگون ساختن مناسبات نابرابر اقتصادی- اجتماعی و برانداختن آن شكاف ژرفی است كه موجودیت ملی جامعه را تهدید می كند. بدون پرداختن صادقانه به



شماره ۳۹۵، دوره هشتم
سال هشتم، ۲۷ بهمن ۱۳۷۱

ایران، چهارده سال پس از انقلاب

۲۲ بهمن ۱۳۷۱ مصادف است با چهاردهمین سالگرد پیروزی انقلاب مردمی ۱۳۵۷. با پیروزی انقلاب حکومت مستبد، وابسته و ضد دموکراتیک سلطنت پهلوی كه به مدت بیش از نیم قرن میهن ما را در فقر، عقب ماندگی و محروم از آزادی ها و حقوق دموکراتیک نگاه داشته بود، نابود و امید تحول و بازسازی كشوری آباد، آزاد و مستقل در قلب میلیون ها انسان، كه در این انقلاب شكوهمند مردمی شركت كرده بودند، جوانه زد. اغراق نخواهد بود اگر ادعا كنیم، انقلاب بهمن یکی از خلتی ترین انقلاب های دهه های اخیر، از نظر وسعت طیف نیروهای شركت كننده در آن، بود. كارگران ، دمقنان، افسار میانه و بخش هایی از سرمایه داری ایران و نیروهای سیاسی وابسته به این گروه ها و افسار، هر كدام با برداشت ها و هدف های متفاوتی در انقلاب شركت كردند و یکی از پر قدرت ترین حكومت های نظامی - پلیسی در منطقه را به زانو درآوردند.

یکی از ویژگی های عمده سال های طولانی اختناق، سرکوب و وحشیانه همه نیروهای مخالف سلطنت و خصوصاً نیروهای چپ توسط "ساواک" رژیم شاه بود. تنها نیرویی كه در فضای نسبتاً آزاد توانسته بود به حیات سیاسی خود در چارچوب مساجد و تکیا ادامه داده و حتی رشد کند، نیروهای مذهبی سنتی و واپسگرا بودند. عقب ماندگی روینایی و ریشه عمیق سنت گرا و خرافه پرست در بطن جامعه، خصوصاً در جامعه روستایی کشور، سبب شد كه نیروهای مذهبی بتوانند از همان ابتدای كار مهر و نشان خود را بر انقلاب زده و رهبری "علمای اسلام" را به جنبش انقلابی کشور و سایر نیروهای شركت كننده در انقلاب تحمیل كنند. بی باوری بخش عمده این نیروها به دموکراسی و افكار عقب مانده و پوسیده اجتماعی آنها از همان آغاز به مثابه پاشنه آشیل انقلاب عمل کرده و در انتها زمینه را برای بازسازی حكومت استبدادی در كشور ما فراهم آورد.

پیروزی انقلاب بهمن، در منطقه خاورمیانه و خصوصاً خلیج فارس، نگرانی های جدی برای ارجاع محلی و امپریالیسم ایجاد کرد. و از این رو از همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب، متوقف کردن انقلاب در مرحله سیاسی، به بیرامه کشیدن آن و در انتها شكست کامل انقلاب به هدف عمده این نیروها، تبدیل شد. حربه های مختلف، از ایجاد تشنج و ناآرامی در شهرهای کشور گرفته تا حمایت و تقویت نیروهای ارجماعی مذاکرات پنهانی، ارباب و بالاخره جنگ تحمیل شده از جانب رژیم جنایتکار صدام حسین ادامه در ص ۲

فاجعه سقوط

هواییهای مسافربری را به همه هموطنان عزیز تسلیت می گوئیم!

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی روز دوشنبه بدنبال برخورد يك هواپیمای مسافربری و يك هواپیمای نظامی در نزدیکی فرودگاه تهران، هواپیمای مسافربری كه عازم مشهد بود، دچار حریق شده و در حوالی فرودگاه سقوط کرد. بر اساس آخرین گزارش ها ۱۱۹ نفر از هموطنانمان و تمامی خدمه هواپیما جان خود را در این سانحه هوایی از دست دادند. حزب توده ایران این فاجعه را به همه هموطنان عزیز و خصوصاً خانواده هایی كه عزیزان خود را در این حادثه جانخوارش از دست دادند، صمیمانه تسلیت می گوید و خود را در غم آنها شريك می داند.

فاجعه سیل

در ده استان کشور

در آخرین خطاتی كه نشریه "نامه مردم" برای چاپ حاضر می شد، مطلع شدیم كه فاجعه سیل در ده استان کشور خسارات و تلفات فراوانی ببار آورده است. بر اساس گزارش خبرگزاری ها، فاجعه سیل تاکنون صدها كشته و زخمی، هزاران نفر بی خانمان و ۲۲۰ میلیارد ریال خسارت اقتصادی وارد آورده است. كمیته مرکزی حزب توده ایران این فاجعه جانگداز را به همه هم میهنان عزیز صمیمانه تسلیت گفته و از همه اعضا و هواداران خود می خواهد تا در كمك رسانی به هموطنان مناطق سیل زده از هیچ كوششی فرو گذاری نكنند.

دیگر صفحات:

كمبود آموزش و بهداشت
در روستاهای ایران

بیداد می كند ۶ ص

بدرود رفیق اختر ۲ ص

دموکرات های
امپریالیست ۸ ص

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

ایران، چهارده سال ...

به کار گرفته شد و سرانجام پس از دوران کوتاهی روند حرکت انقلاب به پیش و فراوانی آن به یک انقلاب اجتماعی سد شد و روند بازگشت دستاوردهای بدست آمده در ماه های نخست پیروزی انقلاب به سرعت آغاز گردید.

تردیدی نیست که هر انقلاب با دشمنانی از داخل و خارج روبروست. انقلاب بهمن با شکست مواجه نمی شد، اگر پیش از هر چیز، در نتیجه خیانت رهبری به آرمانهای مردمی آن، خلع سلاح نمی گردید. در سال های اخیر بحث و درگیری های زیادی پیرامون چگونگی و مقطع آغاز این روند ها صورت گرفته است و ارزیابی ها و نتیجه گیری های متفاوتی عرضه شده است. مسایلی که در این ارزیابی ها کمتر به آن توجه شده است، بفرجهی روندها و تحولات اجتماعی، عملکرد و برآیند نیروها در جامعه و شرایط جهانی که این تحولات در آن صورت گرفته است می باشد.

حزب ما نظرات خود را در این زمینه مفصلاً در اسناد کنفرانس ملی (سال ۱۳۶۵) بیان کرده است، ولی آنچه که در اینجا می توان اضافه کرد، این است که روند حرکت به سمت حاکمیت کامل استبداد از همان فردی پیروزی انقلاب آغاز گردید. ولی وجود طیف وسیعی از نیروها در صحنه سیاسی و عملکرد و توان این نیروها در جامعه به همراه شرکت وسیع توده ها در جنبش انقلابی سبب شد که حاکمیت یافتن انحصاری نیروهای مذهبی - ارتجاعی، روندی نسبتاً طولانی و پرفراز و نشیب باشد. نباید فراموش کرد که در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب، علی رغم نقش عمده ای که نیروهای مذهبی در حاکمیت داشتند، حکومت وقت از ائتلاف طیفی از نیروها، تشکیل شده بود و نبرد برای تصاحب انحصاری قدرت به سرانجام قطعی نرسیده بود. حزب ما در این دوران معتقد بود که تنها با

تمسک دستاوردهای اجتماعی انقلاب و ایجاد جبهه متحد خلق از همه نیروهای وفادار به انقلاب و آرمانهای مردمی آن، می توان آن را حفظ کرد.

این سیاست حزب ما به دلایل گوناگونی از جمله عدم وحدت عمل نیروهای مترقی و پیشرو و بی اعتقادی بخش عمده نیروهای مذهبی به شمارهایی که مطرح می کردند، و سایر عوامل منفی و مخرب، خصوصاً جنگ ایران و عراق، با موفقیت روبرو نگردید و سرانجام نیروهای ارتجاعی با پشت کردن به تمامی وعده هایی که در آغاز انقلاب به مردم داده بودند، انقلاب را به شکست کشاندند.

کشور ما چهارده سال پس از انقلاب، دوران بسیار دشواری را پشت سر می گذراند. بحران شدید اجتماعی - اقتصادی، تشدید بی سابقه محرومیت، فقر، سرکوب و اختناق تنها رهاوردهایی است که سران رژیم برای مردم ما به ارمغان آورده اند. کسانی که به

زحمتکشان وعده عدالت و به جامعه استبداد زده وعده آزادی می دادند، به خشن ترین شکل ممکن آزادی های بدست آمده در سال های نخست انقلاب را دوباره به بند کشیدند، زندانیان سیاسی آزاد شده در انقلاب و قهرمانان جنبش ضد استبدادی و فاتحان سیاهچال های رژیم ستشاهی را دوباره به بند کشیدند، به شکنجه گاهها بردند و سرانجام کار ناتمام رژیم شاه را با اعدام گروهی هزاران انسان آزاده، متشکر و مبارز به پایان رساندند. زحمتکشان کشورما، کارگران و دهقانان محروم، زانگه نشینان و آلودگ نشینان جنوب شهرها، نیز نه تنها به عدالت دست نیافتند، بلکه همچنان در محرومیت، عقب ماندگی و فقر بسر می برند. زنان کشور که نقش عمده ای در پیروز ساختن انقلاب ایفا کردند، در چارچوب عقاید و رسوم قرون وسطایی اسیر شدند و حتی برخی حقوق بدست آمده طی سالیان دراز مبارزه را نیز از دست دادند.

چنین است کارنامه سیاه سران جمهوری اسلامی، که در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخ کشورمان سکان رهبری یک انقلاب شکوهمند و مردمی را به دست گرفتند و چنین جنایتکارانه آن را به مسلخ بردند. تردیدی نیست که مردم ما، میلیون ها انسانی که در انقلاب از جان و دل فداکاری کردند این خیانت بزرگ را بر مرتکبین آن نخواهند بخشید و سرنوشتی محتمم گریبان آنان را خواهد گرفت. ارتجاع حاکم علی رغم تلاش های فراوان، نخواهد توانست آرمان های والا و انسانی انقلاب بهمن را نابود کند. مبارزه مردم ما برای آزادی و عدالت همچنان ادامه خواهد داشت.



سازمان ملل متحد - کمیسیون حقوق بشر

آقای "گالیندوئل"، اخبار مربوط به گزارش شما به مجمع عمومی سازمان ملل را از طریق "رادپو" شنیدیم. از مشروح این گزارش، که گویا اطلاعات مستقیم شما را از وضع زندان های ایران در بردارد، هنوز اطلاع نداریم. خبرگزاری ها با استناد به نامه اخیر شما، از موقعیت دردناکیز آقای "امیر انتظام" (سخنگوی دولت آقای مهندس بازرگان) پس از ۸ سال زندان و شکنجه در زندان های جمهوری اسلامی صحبت می کنند، که گویا در گزارش شما به تفصیل شرح داده شده است. ما اطلاع نداریم که در گزارش شما از چه کسان دیگری نام برده شده است، اما با یقین به اینکه بخشی از اطلاعات مستند شما درباره زندان های جمهوری اسلامی و آگاهی دقیق از اعدام ها و شکنجه ها و ... در سفر دومتان به ایران و در دیدار و گفتگو با محمد علی عمویی، قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان، بدست آمده است، لازم می دانیم شما را از موقعیت کنونی وی در زندان جمهوری اسلامی آگاه سازیم و برای نجات وی از شما نیز استمداد طلبیم؛

۱- پس از دومین دیدار شما از ایران و زندان اوین و گفتگو با "محمد علی عمویی"، او بدلیل افشاگری ها و بیان مشاهدات و اطلاعاتش درباره اعدام ها، شکنجه ها و ... در برابر مأموران زندان، بار دیگر در زندان تحت فشار قرار گرفته است.

۲- اخیراً (پیش از انتشار گزارش اخیر شما خطاب به سازمان ملل متحد) به او اطلاع داده اند که برای بار دوم و پس از گذراندن ۱۲ سال زندان، به دادگاه برده خواهد شد و در صورت تأیید حکم اول، اعدام خواهد شد.

۳- "محمد علی عمویی" ۲۵ سال عمر خود را در زندان رژیم گذشته (سلطنتی) و ۱۲ سال را در زندان جمهوری اسلامی گذرانده است و با سابقه ۳۷ سال زندان، در حقیقت قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان است. او علاوه بر فعالیت های سیاسی، مترجم برخی آثار ادبی به زبان فارسی است و ما بارها از مجامع فرهنگی جهان نیز برای نجات او از زندان، طلب استمداد کرده ایم.

(بستگان محمد علی عمویی)

بدرود رفیق اختر!

رفیق اختر در صفوف حزب توده ایران نقش موثری در بسط و اشاعه افکار مترقی، دموکراتیک، عدالتجویانه و رهایی زن زحمتکش ایرانی ایفا کرده است. ضایحه اسفبار درگذشت رفیق اختر را به بازماندگان آن قید و رقیای حزبی تسلیت می گوئیم.

"نامه مردم"

با کمال تأسف خبر ناگوار درگذشت رفیق اختر کیانوری، همسر رفیق قئید عبدالصمد کامبخش را به اطلاع رقیای حزبی می رسانیم. فعالیت های سیاسی رفیق اختر در ایام نوجوانی در کنار کمونیست های ایرانی آغاز گردید و بخش اعظم زندگی این رفیق با زندگی و فعالیت های سیاسی کمونیست رزمنده و توده ای نستوه عبدالصمد کامبخش و یاران حزبی او گره خورد.

به پرواز بستن ...

اقتصادی، هر چند بر شالوده ارقام و آمارها استوار باشد و تأیید نیروهای معتبر کارشناسی را یدک بکشد، بدون تلاش هشیارانه و مشتاقانه و هدفمند خلقی که خویشتر را از قید بردگی رها یافته می بیند، به جایی نمی رسد و محکوم به شکست است. در واقع این توده مردم هستند که با کار و تلاش خستگی ناپذیر خود، با عشق و علاقه ای که از آزاد زیستن آنان سرچشمه می گیرد، تکیه گاه معتبر "توسعه اقتصادی" و زمینه ساز آن هستند، و نه زمامداران و "برنامه ریزان" بدین سان، آن پیش شرط اساسی برای دگرگون ساختن نظام اقتصادی به سود توده ها، همانا آزادی خود توده ها از قید هرگونه بردگی و اسارت است.

هرگاه آن پیش شرط اساسی وجود می داشت آنگاه یک حکومت متکی بر مردم و معتقد به حقانیت و اصالت مردم، در برنامه ریزی "توسعه اقتصادی"، در شرایط کنونی ملاحظات اصولی چندی را مبنای کار خود قرار می داد. به پاره ای از این ملاحظات می پردازیم:

- شرایط اجتماعی- اقتصادی جوامع رشد پاینده پایان قرن بیستم، از جمله شرایط ایران، را نمی توان و نباید با شرایط تاریخی در انگلیس و فرانسه در سده های ۱۸ و ۱۹، عوضی گرفت! در واقع شمارهایی چون "بگذار بگذرد"، "بگذار بشود" و سیاست "عدم مداخله دولت" که روزگاری بورژوازی لیبرال اروپای غربی آن را برای چیره شدن بر نظام فئودالی عصر خود و به منظور گشودن راه رشد سرمایه داری نو بنیاد پیش گرفته بود، امروزه در روزگار ما به دستاویز شرکت های چند ملیتی امپریالیستی و دلال های آنان برای تشدید تاراج کشورهای وابسته و تداوم واپس ماندگی ملت ها مبدل شده است.

- زیر بنای جامعه، توده ها هستند. باید توده های خلق را از آسیب زد و بندهای سرمایه خصوصی داخلی و خارجی مصون نگاه داشت و روند هرگونه سرمایه گذاری داخلی و خارجی را از دیدگاه حفظ منافع و حقوق مردم و پیشرفت های واقعی اجتماعی پیکیرانه نظارت کرد؛ باید گذرگاه و شریان های اصلی اقتصادی را که زندگی توده ها و شرایط زیستی آنان را مشروط می کند، سخت کنترل کرد.

- به هیچکس نباید اجازه داد که زیر پوشش "بازار" و "آزادی کسب و کار" آب به آسیاب تاراجگران داخلی و انحصارهای امپریالیستی بریزد. سرنوشت مردم را نباید به کنش ها و واکنش های "بازار آزاد" سپرد، آن هم "بازاری" چون کاروانسرای ویران بی در و پیکری که ستون های پوسیده آن را حرص ددمشانه "غارت هرچه بیشتر، بهتر" برها داشته است.

- سیاست های نامردمی از جمله آنچه "تمدیل اقتصادی" نامیده می شود، مردود و محکوم اند. سیاست هایی که در نهایت، جز خط مشی دیکته شده از جانب نهادهای

امپریالیستی، چون "صندوق جهانی پول" و "بانک جهانی"، چیزی نیست. آنان هستند که با تحمیل چنین سیاست هایی از یک سوی امیدوارند حجم "واردات" بی بند و بار ما، اگر نه افزایش یابد، دست کم حفظ شود و تأمین مالی و جوجه کنترل ناپذیر آن بی درد سرتر میسر گردد، و از سوی دیگر، تکیه گاه داخلی آنها، "بخش خصوصی"، بیش از پیش تقویت شود. هرگاه خیلی خوش بین باشیم، باید گفت هدف این سیاست تولید و تراکم ثروت است و نه توزیع عادلانه!

- باید انواع نهادهای خرده مالکی و خرده کاسبی را که در راه توسعه اقتصادی و اعتلای فرهنگی به مانعی بزرگ مبدل شده و نیروهای زنده و پویای جامعه را از درون می پوسانند، در موسسات بزرگ اجتماعی- اقتصادی و در جهت شکوفا ساختن نهادهای عمومی و خصوصی کنترل شده و پیش از همه در تعاونی های مردمی اصیل جای داد.

- و بالاخره، بدون آن که کنترل معقول دولت، به حد کافی، بر سرمایه های خصوصی برقرار شده باشد، و پیش از آن که دولت توان این کنترل را در خود ببیند، نباید امکانات ملی و میهنی جامعه را سخاوتمندانه در اختیار "بخش خصوصی" نهاد و آن موجودات انکلی را که زیر سقف این بخش لانه کرده و برای بلعیدن همه ثروت های ملی ما کمین کرده اند، مورد حمایت قرار داد.

کارهای ۱۴ ساله دولت برخاسته از "ولایت مطلقه ققیه" درست خلاف آن اصول و معیارهایی است که یک دولت مستقل ملی متکی به توده ها و معتقد به حقانیت آن ها باید بدان ها پایبند باشد؛ نه تنها آن پیش شرط اساسی "توسعه اقتصادی" - آزادی و رهایی مردم از قید هرگونه اسارت و بردگی - وجود خارجی ندارد، بل همه امیدها و آرزوهای خلق تشنه آزادی و عدالت با غبار "امر به معروف" از آینه ذهن توده ها زدوده شده به نومیدی و تیرگی گراییده است. زیر پوشش سخن پردازی های تند و تیز خود نمایانه، ولی توخالی به ضد "استکبار جهانی"، راه برای دست اندازی تاراجگرانه غول بی لکام "بخش خصوصی" - این دلال سرسپرده همان "استکبار جهانی" - بیش از هر زمان گشوده شده است.

در قلمرو "ولایت ققیه" در برنامه "توسعه اقتصادی" مسئله "خصوصی سازی" به یک "مسئله استراتژیکی ملی" مبدل شده است، که همه نهادها را در همه شئون ملی، اجتماعی و اقتصادی - از صنایع سنگین گرفته تا آموزش عالی و بهداشت و درمان - دربر می گیرد. حاصل برنامه اول "توسعه اقتصادی"، بطور عمده جز تلاش برای به پرواز بستن "بخش خصوصی" نبوده و عصاره "برنامه دوم" نیز از جمله با فرمول بندی "تعیین تکلیف و آگذاری کلیه شرکت های دولتی که باید به بخش خصوصی واگذار شود" بیان می شود. هنوز "برنامه دوم" مطرح نشده و به تصویب نرسیده است که روند تعمیق خصوصی کردن از طرف دست اندرکاران مختلف اقتصادی رژیم اعلام می شود؛ سخنگوی "کمیسیون صنایع و معادن

کشور" رسماً گفت: "در اجرای برنامه خصوصی سازی، کلیات طرح ادغام سه وزارتخانه صنعتی در کمیسیون های صنایع و امور اداری مجلس تصویب شده است. طبق طرح سیاست جدید ... محل چندانی برای دخالت دولت در امور صنعتی کشور باقی نمی ماند" (کیهان ۳/۱۰/۷۱). وزیر راه و ترابری به مجلس خبرداد: "صنعت حمل و نقل به بخش خصوصی واگذار می شود" (کیهان ۷/۱۰/۷۱). "سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران" بر آن است که "این سازمان اکنون به رسالت واقعی خود - تأسیس واحدهای صنعتی مورد نیاز و واگذاری آن ها به بخش خصوصی - برگشته است. استراتژی و واگذاری سهام شرکت های تحت پوشش براساس این رسالت اتخاذ شده است" (سلام ۷/۱۰/۷۱). سازمان برنامه و بودجه "خصوصی سازی" آموزش عالی را با این عبارت پیشنهاد کرده است: "ایجاد زمینه مناسب قانونی جهت ایجاد دانشگاه توسط شخصیت های حقوقی و حقیقی خیر... و اداره دانشگاه براساس ترتیبات مدیریتی تعیین شده توسط سرمایه گذار" (کیهان ۱۰/۱۰/۷۱).

پیشروی تجاوز کارانه و گستاخانه "بخش خصوصی" در زیر چتر حمایتی "ولایت ققیه" اعتراض برحق عناصر علاقمند به آموزش عالی را برانگیخته است. رئیس دانشگاه "علامه طباطبائی" می گوید: "در کشور ما در امر توسعه به تئوری های کلاسیک کهنه متوسل می شوند. ما باید در جامعه خود دنبال تئوری های جدید باشیم. خصوصی سازی دانشگاه ها مشکل آموزش عالی را حل نمی کند، این کار، دادن سرنوشت جامعه به غیر سیاستگذاران جامعه است و مانع اصلی خانواده های کم درآمد برای راه یافتن به مراکز آموزش عالی است" (سلام ۱۵/۹/۷۱). رئیس دانشگاه تهران می گوید: "امروز گفتگوهای نادرست و خاصی که در قالب خصوصی نمودن دانشگاه می خواهد دانشگاه را از پیکر ملت جدا سازد، ناخود آگاه به میراث فرهنگی لطمه جبران ناپذیری وارد می کند. باید با برخورد کارشناسانه و علمی در اصلاح چنین تفکری تلاش نمود" (سلام ۱۷/۹/۷۱).

بهداشت و درمان نیز از بلای "خصوصی سازی" - که آن را نابکارانه درمان همه دردها وانمود می کنند - در امان نیست. نماینده مشهد" به این مناسبت زیان به اعتراض می گشاید: "وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که مسئولیت عمده درمان مردم را برعهده دارد، با واگذاری بیمارستان ها این وظیفه خطیر خود را می داند که چه به روز مردم مستضعف و محروم سراسر کشور، که تحت پوشش بیمه خدمات درمانی نیامده اند، خواهد آمد!" (کیهان هوایی ۴/۹/۷۱).

"بخش خصوصی" که مدتهاست قلمرو "ولایت ققیه" را میدان تازه ای برای گسترش دست اندازی های تاراجگرانه خود یافته است، با استفاده از فرصت می کوشد برای مقابله با ادامه در ص ۷

هاشمی رفسنجانی و فعالیت های تبلیغاتی برای "انتخابات"

هاشمی رفسنجانی، در کنفرانس مطبوعاتی که با حضور خبرگزاران داخلی و خارجی، به مناسبت سالگرد انقلاب برگزار شده بود، سخنانی ایراد کرد که حاوی نکات مهمی در زمینه روشن کردن سیاست های جمهوری اسلامی و جناح وی، در تحولات آتی کشور است. به گزارش اکثر مفسران خارجی، رفسنجانی در این کنفرانس مطبوعاتی، از بخش های عمده ای از مواضع گذشته خود عقب نشینی کرده و مواضع جناح "محافظة کار" را درست پذیرفته است. رفسنجانی بر خلاف سخنانی که چندی پیش در حمله ضمنی به مسئله "ولایت فقیه" انجام داد، در پاسخ به سؤال خبرنگاران پیرامون برقراری روابط با آمریکا و "آشتی با مستکبران" از جمله گفت: "سیاست دولت با سیاست رهبری همیشه منطبق بوده و اصولاً اینگونه سیاست ها را رهبر انقلاب تعیین می کنند..." (کیهان ۱۱ بهمن ماه ۱۳۷۱).

بر اساس گزارش های درج شده پیرامون این کنفرانس مطبوعاتی، بنظر می رسد که توافقی در پشت پرده برای حمایت از کاندیداتوری رفسنجانی، میان جناح رسالت و جناح رفسنجانی صورت گرفته است و سیاست تنظیم بودجه سال ۷۲ و برخی اظهار نظر های جدید رفسنجانی در چارچوب توافق هایی است که بین این دو جناح صورت گرفته است.

۱۵ هزار میلیارد بدهکاری به بانک مرکزی

هاشمی رفسنجانی در سخنانی که به هنگام ارائه بودجه سال ۷۲ ایراد کرد، مدعی شد که دولت توانسته است بخش عمده بدهی های خود را به بانک مرکزی باز پرداخت کرده و میزان استقراض را در بودجه سال ۷۲ به صفر برساند. محمد رضا باهنر، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این ادعای رئیس جمهور از جمله گفت:

"دولت اگرچه استقراض بودجه را در سال جاری به صفر رسانده است، اما می دانیم که ظرف سیزده سال گذشته بیش از ۱۵ هزار میلیارد ریال به بانک مرکزی بدهکار است و علت الکل این تورم همین استقراض انباشته است..."

وی در بخش دیگری از سخنرانی خود در مخالفت با لایحه بودجه از جمله گفت: "با افزایش نرخ ارز که متوسط آن حدود ۳۰۰ ریال است، عدد حدود ۱۴۰۰ ریال، ارزش پول ملی را واقعی می کند. حال قدرت خرید غیر دولتیها که در جریان واقعی کردن قیمت ارز به کمتر از نصف تقلیل پیدا کرده چگونه باید جبران شود..."



۸۰٪ از درآمد بودجه ناشی از فروش سرمایه های کشور است

حسینی شامرودی، رئیس کمیسیون اقتصادی و دارایی مجلس در سخنان تندی که در مخالفت با بودجه سال ۷۲، در مجلس ایراد کرد ضمن رد همه ادعاهای هاشمی رفسنجانی پیرامون موفقیت های دولت در زمینه به اجرا درآوردن برنامه پنجساله اول از جمله گفت: "در لایحه بودجه دو عنوان وجود دارد، یکی ردیف درآمدها و دیگری ردیف هزینه ها که یکی از اشکالات اساسی بودجه در این سنوات همین است. شما ننویسید ردیف درآمدها و هزینه ها، بنویسید ردیف سرمایه ها و ردیف هزینه ها. یعنی ما از فروش سرمایه در واقع هزینه های خودمان را تعیین می کنیم. مگر نفت را می توانیم به عنوان یک درآمد کشور تلقی کنیم..."

وی در همین سخنان نیز پرده از برخی برنامه های احتمالی دولت برای شرکت در خرید و فروش ارز در بازار برداشته و اعلام کرد: "من با یک نرخ کردن ارز صدرصد موافق ولی از همین جا اعلام می کنم اگر بانک مرکزی بخواهد از فردا از این منبع باز شده ای که در اختیارش قرار گرفته است هر روز که درآمد هایش حاصل نشد قیمت ارز را خدای نکرده بالا ببرد و کسری درآمدهایش را جبران کند، یکی از کسانی که از پشت این تریبون فریاد خواهد کشید بنده خواهم بود."

"آفت دین"

در سمیناری که به مناسبت سالگرد انقلاب در تهران برگزار گردید، دکتر محمد خاتمی، وزیر سابق ارشاد سخنانی ایراد کرد که حاوی نکات جالبی است. وی در این سخنان ضمن حمله ضمنی به سران کنونی رژیم از جمله گفت: "اولین آفت دین محدودیت بشری و تحجر و تنگ نظری افرادی است که در راس مسائل دینی قرار دارند."

و دومین آفت، قدرت دادن به افرادی است که از دین به عنوان یک حربه برای مقاصد خود سوء استفاده کرده و چیزی جز برای یک حکومت دنیوی و دنیا داری، غرض دیگری ندارند..."

بحران در روابط ایران و ترکیه

بر اساس گزارش روزنامه "ملیت" چاپ ترکیه عصمت سرگین، وزیر کشور ترکیه در جلسه هیئت دولت این کشور در آنکارا نقش ایران در حوادث تروریستی ترکیه را صراحتاً اعلام کرد و خواستار اقدامات جدی تر این کشور علیه ایران شد. عصمت سرگین همچنین در یک مصاحبه مطبوعاتی در استانبول مدعی شد که متهمین به شرکت در حوادث تروریستی در ترکیه در ایران آموزش دیده اند. بر اساس این گزارش که در روزنامه "سلام" ۱۹ بهمن منتشر گردیده است، ولایتی، وزیر امور خارجه وجود هرگونه اختلاف با ترکیه بر سر کشته شدن سه تن از روشنفکران ترک توسط مسلمانان افراطی را انکار کرد. به دنبال این حوادث سفر دکتر حبیبی به ترکیه نیز تا اطلاع بعدی به تأخیر افتاد.

هیئت نفتی ایران در آمریکا

سید مهدی حسینی، مشاور فنی وزیر نفت در راس یک هیئت برای مذاکره با شرکت های نفت آمریکا به این کشور سفر کرد. وی در مصاحبه ای که با روزنامه های تهران پیرامون علل مسافرت هیئت به آمریکا انجام داده، از جمله گفت: "بعد از حل و فصل اختلافات ایران با شرکت آموکو در دادگاه لاهه، این کمپانی برای ارائه مدارک... به وزارت نفت ایران ابراز علاقه نشان داد و وزارت نفت نیز با اعزام هیئتی به مقر این کمپانی برای بررسی و مطالعه این مدارک و تحقیقات موافقت کرد..." به علاوه سفر هیئت ایرانی موجداتی را فراهم کرد تا پیرامون خط لوله آذربایجان نیز مذاکراتی به عمل آید. به گفته وی این یکی از راه هایی است که برای فروش نفت جمهوری آذربایجان از طریق احداث خط لوله از طریق ایران به بازار جهانی مورد بررسی قرار گرفته است.

لازم به تذکر است که بر اساس گزارشات مندرج در روزنامه های کشور، حجم روابط اقتصادی ایران و آمریکا در سه سال گذشته از رشد بسیار بلایی برخوردار بوده است و خرید شرکت های نفتی آمریکایی از ایران حدود یک چهارم کل صادرات کشور را تشکیل می دهد، و میزان فروش نفت ایران به آمریکا از مرز ۲/۵ میلیارد دلار گذشته است.

الجزایر

براساس گزارش خبرگزاری "الوطن" - از روزنامه های رسمی الجزایر- همزمان با سالگرد انقلاب ایران، بنا به دعوت سردمداران جمهوری اسلامی، حدود ۲۵۰۰ نفر از بنیادگرایان اسلامی عازم تهران خواهند شد. در این زمینه روزنامه "الوطن" می افزاید که مقصد از تشکیل چنین اجتماعی در تهران، سازماندهی و تقویت بنیادگرایان کشورهای چون الجزایر، مصر و تونس با هدف غایی سرنگونی رژیم های این کشورها و جایگزینی نظام اسلامی است.

طبق گزارش "الوطن"، ایران سالیانه حدود ۵۰۰ میلیون دلار صرف تقویت سازمان های مذهبی و بنیادگرای اسلامی می کند. از جمله سازمان های مورد حمایت مالی و معنوی ایران که روزنامه "الوطن" از آن ها نام می برد، "جبهه نجات اسلامی" الجزایر و سازمان "نهضت" تونس می باشند. هر دوی این سازمان ها در کشورهای متبوع خود غیر قانونی اعلام شده اند.

طبق گزارش روزنامه "الوطن"، در پی تماس تلفنی این روزنامه با مسئولان احزاب اسلامی یاد شده در بالا، "شیخ رایج کبیر"، مسئول جبهه نجات اسلامی و "شیخ راشد غنوشی" مسئول "نهضت"، هر دو ارتباط با ایران و عزیمت به آن کشور، جهت تشکیل اجتماع فوق الذکر را انکار کرده و اظهار نمودند که اشاعه چنین اکاذیبی فقط برای خدشه دار کردن جنبش اسلامی است.

روسیه

گشودن درهای اقتصاد روسیه به روی بازار بورس و بنگاه های سرمایه داری عملاً اقتصاد این کشور را که آمادگی تعاقب با مکانیزم های پیچیده رقابت سرمایه داری را ندارد، به ورشکستگی کشانده است.

در ۷ بهمن ماه، معامله گران ارز، روپل را به پائین ترین قیمت برابری خود در مقابل ارزهای غربی در سال های اخیر سقوط دادند. این امر موجب افزایش بلافاصله کالاهای وارداتی شده و روسیه را مواجه با افزایش کسری بودجه وسیعی نموده است. در جریان رد و بدل گردیدن تقریباً ۵۴ میلیون لیره استرلینگ، ارزش روپل به حدود ۵۶۸ روپل در مقابل یک دلار سقوط کرد. این در مقایسه با دوران اتحاد شوروی سابق که روپل در معاملات رسمی معادل ۱/۸ دلار و در معاملات بازار سیاه حداقل معادل ۰/۴ دلار معامله می شد، عمق بحران را نمایش می دهد.

یک سخنگوی بازار بورس تصدیق کرد که "ما فکر می کردیم که روپل یک مقدار سقوط کند ولی نه تا این حد."

در صورت ادامه سقوط روپل، قیمت واردات افزایش یافته و در صورتی که دولت برای سوئیس کردن برخی اقلام واردات به ارائه ارز با نرخ برابری ویژه ای اقدام کند، هزینه های جاری آن بالا رفته که این خود به کسری بیش از پیش بودجه خواهد انجامید. معاون نخست وزیر "اناتولی چوپایس" گفت: "من متقاعد شده ام که امروز



صنایع فضایی که حقوق متوسط آن ها در ماه حدوداً ۸۰۰۰ روپل یا ۱۵ لیره استرلینگ بود این صنایع را ترك کردند. حقوق متوسط در سایر صنایع حداقل ۱۳۰۰۰ روپل می باشد. آقای کوپتف تصدیق کرد که: "ما متخصصان عالیقدری را بخاطر این که حقوق آن ها کافی نیست، از دست می دهیم."

کوبا

پزشک معروف آمریکایی، دکتر پنجامین اسپاک، متخصص بیماری های کودکان، دولت آمریکا را متهم کرد که با ادامه تحریم اقتصادی علیه کوبا، اصول بنیادی سازمان ملل را زیر پا می گذارد. در یک کنفرانس مطبوعاتی در هاوانا، پایتخت کوبا، دکتر اسپاک اظهار داشت: "ایالات متحده تمهدهات خود را که در هنگام پیوستن به سازمان ملل قبول نموده بود، زیر پا گذارده است." او که در مقام سرپرستی یک هیئت به نمایندگی از سوی "پروژه پزشکی کوبا-آمریکا" در هاوانا بسر می برد، بیش از ۷۵۰۰۰ دلار دارو و ۷۰۰۰ دلار وسایل مربوط به دندانپزشکی، اهدایی سازمان خود را، تحویل صلیب سرخ کوبا نمود.

وی اظهار داشت: "من می خواهم تاسف و خشم خودم را نسبت به ادامه سیاست غیر قانونی تحریم کوبا توسط دولت ایالات متحده، ابراز کنم." مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای را در محکومیت قانون جدید ایالات متحده که با هدف تنکتر نمودن حلقه تحریم اقتصادی ۳۰ ساله علیه کوبا اتخاذ شده است، تصویب نمود.

دکتر اسپاک گفت: شکی نیست که دولت ایالات متحده آمریکا در صدد خفه کردن یک ملت است که این خود نقض حقوق بشر است."

- یازدهم بهمن، کوبا دولت آمریکا را متهم کرد که با ادامه تحریم اقتصادی، یک کارزار پیگیر علیه مردم کوبا را هدایت می کند. خوزه پروز نووا، سفیر کوبا در ژنو، محل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل گفت: "هیچ حقوق بشری در کوبا نقض نشده است." او ضمن مردود شمردن حملات مطبوعات غربی علیه سیستم قضایی کوبا گفت: "در پشت این حملات یک یورش تبلیغاتی علیه کوبا خوابیده است." او ضمن انتقاد از اینکه ایالات متحده توانسته است عملاً اختیار سیاست گذاری ارگان های سازمان ملل را در جهت مقاصد خود بکار بگیرد اضافه کرد: پذیرفتنی نیست که تظاهرات حامیان دولت کوبا به عنوان یک مظهر نقض حقوق بشر در آن کشور قلمداد شود.

- بیل کلیتون، رئیس جمهور آمریکا، حمایت خود را از "قانون دموکراسی در کوبا"، که توسط رئیس جمهور قبلی، جورج بوش، مطرح شد که هدف آن تنگ تر کردن حلقه تحریم اقتصادی علیه کوبا است، اعلام نمود. این تحریم شامل مواد غذایی و دارویی است، هزینه تقریبی این تحریم اقتصادی در طول ۲۲ سال گذشته، افزون بر ۲۸ میلیارد دلار به ضرر کوبا می باشد.

برای دولت روسیه، برای پارلمان آن، از همه مهمتر برای بانک مرکزی کلیدی ترین وظیفه، کنترل تورم است."

- وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که مقامات شهر مسکو از واحدهای ارتش خواسته اند که با پلیس در مقابله با افزایش سریع موج جنایت همکاری کنند.

یک سخنگوی وزارت دفاع گفت که شهرداری مسکو قول داده است که در مقابل درحد بسیار محدودی محل مسکونی در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد. ارتش بطور فزاینده ای محتاج آهانتان های مسکونی برای سربازانی است که از دیگر جمهوری های سابق اتحاد شوروی و نیز کشورهای اروپای شرقی باز می گردند.

نقش اصلی ارتش، اسکورت نیروهای پلیس در گشت هایشان خواهد بود و بویژه در شب ها، ولی در برخی از عملیات پلیس در تهاجم به مراکز فساد و جنایت نیز شرکت مستقیم خواهد داشت. یلتسین در یک مصاحبه مطبوعاتی در روز آخر دی ماه، ضمن دادن اعلان جنگ به "جنایت و فساد" گفت در صورت عدم اقدام موثر، روسیه به یک "قدرت مافیایی" جهانی بدل خواهد شد.

- موسسه امور قضایی روسیه، دول غربی را فراخواند که با اتخاذ یک سری قوانین امکان یک رقابت منصفانه در امور قضایی و شرکت در بازار تجاری جهانی در این عرصه را به این آژانس بدهند. "یوری کوپتف"، رئیس آژانس امور قضایی روسیه گفت: "ما ۱۰ سال در ورود به بازار بین المللی قضایی تاخیر داریم. این بازار هم اکنون تقسیم شده است... ولی ما معتقدیم که عادلانه این خواهد بود اگر که روسیه بتواند سهم خود را بگیرد."

کمپانی های امور قضایی غربی مطرح می کنند که روسیه می تواند با ارائه موشک های مطمئن و کارآ، برای فرستادن ماهواره های تجاری به فضا برای کشورهای دیگر با قیمت کمتر، به تجارت آن ها لطمه بزند. آقای کوپتف گفت که روسیه خواستار یک سهمیه ۲ تا ۳ پرتاب سفینه از مرکز قضایی بایکونور می باشد. سالانه حدوداً ۱۵ مورد پرتاب سفینه با مقاصد تجاری صورت می گیرد.

در سال گذشته حدود ۷۰،۰۰۰ کارمند

کمبود آموزش و بهداشت در روستاهای ایران بیداد می کند

یابد ... و این مسأله نقش مهمی در افت تحصیلی دانش آموزان داشته است.

سخنان روحانی، مدیرکل امور اجتماعی استانداری سیستان و بلوچستان، نیز گویای وجود وضع مشابهی در این استان است. به گفته او "عدم پوشش بیمه های درمانی برای دانش آموزان محروم سیستان و بلوچستان، به ویژه دانش آموزان روستایی، موجب عدم مراجعه آن ها به مراکز درمانی و در نهایت تحمل درد و بیماری توسط این قبیل افراد شده است". او می گوید مراکز درمانی از پذیرش رایگان دانش آموزان بیماری که توسط مدارس به مراکز درمانی معرفی می شوند خودداری می کنند و خانواده های آن ها نیز قادر به تأمین هزینه های درمانی فرزندان شان نیستند. به گفته او، "در این استان دانش آموزانی هستند که دچار بیماری هایی نظیر کچلی، تراخم چشم، پوستی و غیره می باشند که به علت عدم توانایی تأمین هزینه های درمانی و دارویی از مراجعه به مراکز درمانی خودداری می کنند". وی می گوید که مراکز درمانی این استان از داشتن ابتدایی ترین امکانات بهداشتی، حتی دستگاه های ضد عفونی، نیز محروم اند.

این تنها بخشی از واقعت استغباری است که حاکمیت "هوادار مستضعفان"، پس از ۱۴ سال، برای زحمتکشان روستایی میهن ما به ارمغان آورده است. بر این اساس باید نه تنها در آمارهای داده شده توسط سردمداران رژیم، بلکه در انگیزه های آن ها هنگام اشاره به کمبودها تردید کرد.

باعث شیوع بیماری های پوستی در میان روستاییان شده است.

- در سراسر این دهستان تنها ۵ خانه بهداشت وجود دارد و مردم برای دستیابی به پزشک باید بیش از ۳۰ کیلومتر پیاده روی کنند.

- از ۳۰ روستای این دهستان، تنها ۲ روستا دارای مدرسه راهنمایی هستند. کمبود مدرسه و به ویژه دبیرستان باعث شده که دانش آموزان دختر و پسر از ادامه تحصیل پس از دوره ابتدایی محروم شوند.

- به گفته "هزارخانی"، دهمدار دهستان، تعدادی از جوانان مفیده به علت نبود امکانات تحصیل و سرگرمی های مفید، به اعتیاد و مصرف مواد مخدر کشیده شده اند.

وضع شهرستان "شوش دانیال" واقع در همین استان، از وضع روستاهای آن چندان بهتر نیست. به گفته مسؤول فنی بیمارستان "نظام مافی" این شهرستان، این بیمارستان به تنهایی با کمبود ۲۰ تا ۵۰ پرستار روبرو است. احمدی، سرپرست بیمارستان "نظام مافی" می گوید، ۷۰ درصد روستاهای این منطقه فاقد خانه های بهداشت هستند.

در استان کهگیلویه و بویراحمد، ۵۶۵ روستا فاقد مدرسه هستند. در حالی که جمعیت دانش آموزان این استان از ۴۱ هزار نفر در سال ۵۷ به ۱۷۰ هزار نفر در حال حاضر افزایش یافته، اما امکانات آموزشی این استان در این مدت تغییر چندانی نکرده است. به گفته اصفهانی، مدیرکل آموزش و پرورش این استان، "فقر مادی در بسیاری از نقاط این استان سبب شده تا فرزندان روستایی نتوانند در کلاس های درس حضور

یکی از ادعاهای همیشگی رژیم در طول ۱۴ سال گذشته، بهبود وضع آموزش و بهداشت روستاییان کشور بوده است. اما نگاهی به آمار و ارقام موجود، این دروغ بزرگ رژیم را افشاء می کند.

به اقرار خود سردمداران رژیم، از جمله "بی آزار"، معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش و "ملک زاده"، وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، ایران از جمله با کمبود ۷۰ هزار کادر آموزشی و ۷۰ هزار کادر پرستاری مواجه است. تردیدی نیست که فشار اصلی این کمبودها بیش از هرچیز بر شانه روستاییان کشور سنگینی می کند. به برخی آمار تکان دهنده در این مورد، که در رسانه های رسمی کشور منتشر شده اند، توجه کنیم:

یکی از روزنامه های مجاز کشور در آبان ماه گذشته خبر داد که به علت فقدان امکانات لازم در روستاهای دهستان خزل غربی واقع در استان باختران، هفت روستا "به کلی از سکنه خالی شده اند" و هم اکنون "هیچ اثری از حیات در آن ها دیده نمی شود". این روزنامه در توصیف وضعیت زندگی بقیه روستاییان این دهستان، که ۳۰ روستا با جمعیت حدود ۷ هزار نفر را دربر می گیرد، به موارد زیر اشاره می کند:

- ۱۵ روستای این دهستان از آب لوله کشی بهداشتی محروم اند و مردم از آب آلوده رودخانه برای نوشیدن و پخت و پز استفاده می کنند.

- از ۳۰ روستای این دهستان تنها ۳ روستا دارای حمام هستند و اهالی بقیه روستاها در رودخانه ها و چشمه های آلوده استحام می کنند که این امر

اخبار زحمتکشان

صندوق بازنشستگان کشور از پول خالی است

دکتر دهقان، رئیس سازمان بازنشستگان کشوری، در آذر ماه گذشته اعلام کرد که صندوق بازنشستگان کشور "در حال حاضر فاقد اعتبارات لازم بوده و حقوق بازنشستگان کشوری از محل کسورات بازنشستگی کارمندان شاغل تأمین می شود". او علت فقدان اعتبار این صندوق را "مبلغ قابل توجه بدهی دولت به صندوق" اعلام کرد.

نمونه ای از "حمایت دولت از صنایع داخلی"

کارخانه کاغذسازی پارس هفت تپه، که تنها کارخانه تولیدکننده کاغذ چاپ و تحریر در ایران است، با کمبود مواد اولیه، افت شدید تولید و خطر تعطیل روبرو شده است. تعطیل این کارخانه به بیکاری بیش از ۴۰۰۰ کارگر و کارمند منجر خواهد شد.

کوهزادی، مدیرعامل این کارخانه، علت کاهش تولید را "کمبود مواد اولیه" به واسطه "عدم اختصاص ارز از سوی دولت" و "عدم حمایت دولت از صنایع داخلی" توصیف کرد. به عنوان نمونه، او از وزارت آموزش و

سه سال بدهی دولت به کارکنان آتش نشانی

نماینده کارکنان سازمان آتش نشانی مشهد اخیراً در يك مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که به رغم بخشنامه مورخ ۶۹/۹/۱۷ و دستورالعمل سال ۷۰ دولت، سی و پنج درصد از حقوق کارکنان آتش نشانی این شهر از سال ۶۹ تاکنون پرداخت نشده است. وی در این مصاحبه خواستار رسیدگی به این مسأله شد.

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به ۲۲ - مین کنگره حزب کمونیست اسرائیل

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای رفیقانه خود را به شرکت کنندگان در ۲۲-مین کنگره حزب و از طریق شما به همه نیروهای مترقی و پیشرو کشورهای تقدیم می دارد. ما اطمینان داریم که ۲۲-مین کنگره حزب شما قادر خواهد بود پس از بحث و بررسی همه جانبه به تصمیمات مهمی برای تقویت مبارزه، و تحکیم صفوف حزب، صفوف "جبهه دموکراتیک برای صلح و برابری" در راه رسیدن به یک صلح همه جانبه و دموکراتیک، پایان بخشیدن به اشغال زمین های کشورهای عربی توسط دولت اسرائیل و شناسایی حقوق ملی خلق فلسطین در راه تشکیل یک دولت مستقل دست یابد.

خاورمیانه، بار دیگر دوران دشواری را پشت سر می گذارد. تشدید تشنج در خلیج فارس و امکان اوج گیری برخوردهای نظامی، در کنار سرکوب حقوق بشر و زیر پا گذاشتن قوانین بین المللی توسط دولت اسرائیل و اخراج بیش از ۴۰۰ نفر از ساکنان فلسطینی نواحی اشغالی، مبارزه در راه حفظ صلح و جلوگیری از گسترش تشنج را به وظیفه عاجل نیروهای مترقی بدل کرده است. حزب توده ایران بار دیگر همبستگی رزمجویانه خود را با شما و تمامی نیروهای مترقی و پیشرو کشورهای اعلام می دارد و اقدامات ضدانسانی اخیر دولت اسرائیل که با اطلاع و تأیید امپریالیسم آمریکا انجام گرفته است شدیداً محکوم می کند.

با بهترین آرزوهای موقیته برای ۲۲-مین کنگره شما
کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۸ بهمن ماه ۱۳۷۱

به شعبه بین الملل

کمیته مرکزی حزب توده ایران!

رفقای عزیز!

"... گروه پارلمانی حزب مردم فلسطین، صمیمانه امیدوار است که روابط رفیقانه و همکاری های ما و حزب شما، در جهت کمک به اهداف مشترک ما و کمک به آرمان های مشترک مردم دو کشور در آینده هرچه بیشتر گسترش یابد..."

ما از روند صلح در خاورمیانه کاملاً حمایت می کنیم. نمایندگان حزب ما از شرکت کنندگان فعال در هیئت فلسطینی اعزام شده به مذاکرات صلح خاورمیانه هستند. ما کاملاً اعتقاد داریم که این روند صلح می تواند به برقراری یک صلح پایدار و دموکراتیک در منطقه ما، در صورتیکه از حمایت نیروهای درگیر برخوردار شود، کمک کند و بر مخالفت ها و کارشکنی های دولت اسرائیل فایده آید.

عمل جنایتکارانه جدید دولت اسرائیل، که در تضاد آشکار با موازین و قوانین بین المللی، به اخراج بیش از ۴۰۰ شهروند فلسطینی منجر گردید، روند صلح در منطقه را سد کرده و شرایط خطرناکی را در منطقه ایجاد کرده است. به گمان ما تنها راه از سرگیری مذاکرات در شرایط کنونی، اجرا کردن قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد است و این مسئله به صورت رسمی از جانب هیئت فلسطینی شرکت کننده در مذاکرات اعلام شده است. ما همچنان معتقدیم که یک صلح عادلانه، همه جانبه و دموکراتیک، تنها در صورتی امکان پذیر است، که خواست های برحق مردم فلسطین، خصوصاً آزادی، استقلال ملی و حق حاکمیت ملی، تحقق پذیرد.

ما بار دیگر بر اهمیت تقویت و گسترش همه جانبه روابط خود با شما تأکید داریم...

با تقدیم احترام - آروزی تیشتر
صدر گروه پارلمانی

خصوصی، که قادر نیست بر هیچیک از علایق ناچیز خود خواهانه اش چیره شود، درآمد حاصل از غارت توده ها را بدون آن که مالیات بپردازد، به جای سرمایه گذاری در کشور، به خارج می فرستد؛ بخش خصوصی که برای عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت نه تنها پشتیبانی قابل نیست بل در راه استقرار آن رذیلاانه کارشکنی می کند و به خاطر منافع آلوده خود، در تخریب محیط زیست و نابود کردن ثروت های ملی و تجاوز به حقوق نسل ها آزمندانه تلاش می کند و حاضر نیست بدون حمایت و ضمانت انحصارهای امپریالیستی حتی یک ریال سرمایه گذاری کند، چنین نهادی خودخواه و آزمند و مردم ستیز چه گلی بر سر این ملت زده است که شما برنامه های "توسعه اقتصادی" دست پخت خود را، عمدتاً، وقف پرورای بندی آن می کنید؟

شما نه تنها در برابر واقعیت های تلخی که هر روز جلوی چشم میلیون ها و میلیون ها نفر روی می دهد، چشم های خود را می بندید، بل از درک حقایق تاریخی ای نیز که زمینه ساز هرگونه برنامه ریزی توسعه اجتماعی- اقتصادی است، به گونه ای حقارتبار، عاجزید. تاریخ معاصر ما با صراحت سخن می گوید؛ بعد از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از کشورهای رشد یابنده حکومت های بورژوازی و بورژوا- زمیندار کوشیدند تا مگر با زور و ترفند و تدابیر حکومتی نمونه هایی از رشد سرمایه گذاری مبتنی بر توسعه آزاد را- چنان که در کشورهای پیشرو سرمایه داری پدید آمده است- به وجود آورند. با این همه، دیری نپایید که آشکار شد سرمایه ملی خصوصی در این کشورها در موقعیتی نیست که بر موانعی که سابقه وابستگی استعماری در آن ها به وجود آورده و رشد داده، چیره شود و راه را برای رشد سرمایه داری بزرگ کلاسیک بگشاید. حتی دیکتاتوری بناپارتنی کلاسیک که در برخی از کشورهای در حال رشد پدید آمده بود و می کوشید، با ترفند و فریب، با راضی نگاهداشتن لایه های متوسط شهری و روستایی، راه رشد بی لگام سرمایه داری خصوصی را باز کند، نتوانست وضعیت را تغییر دهد. ("ن. سیمونیا")

حقیقت این است که، صرف نظر از واقعیت های تاریخی- اقتصادی، در شرایطی که توده ها توان آن یافته اند که سخن خود را بر زبان آورند و آن را بر کرسی نشانند، سرمایه خصوصی به صورت یک نهاد مستقل صورت بندی بورژوازی، فارغ از وابستگی های استعماری در کشور ما، رشد نخواهد کرد و در وابستگی امپریالیستی نیز از حد یک دلال امپریالیسم قرائر نخواهد رفت، حتی اگر استبداد خونخواره ای پشتوانه آن باشد! تاریخ برای چنین بلند پروازی های رویایی دیگر فرصتی باقی نمانده است!

به پرورای بستن ...

توده های غارت شده، شرکت های چند ملیتی امپریالیستی را به یاری بخواند. چندی پیش علی نقی خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی و معادن ایران و سخنگوی "بخش خصوصی" در دیدار با سفیر کره جنوبی در تهران از سرمایه گذاران کره ای خواست که با بخش خصوصی ایران در سرمایه گذاری های مشترک همکاری کنند. وی در توضیح خواست خود گفت؛ "ظرف سه سال اخیر که سیاست تمرکز اقتصادی به سود بخش خصوصی رو به تضعیف نهاده است چنین احساس می شود که شرکای کره ای ایران تمایل چندانی به توسعه همکاری های خود با ایران نشان نمی دهند. و این در حالی است که طرح های خصوصی کردن ایران نیازمند کمک ها و سرمایه گذاری های خارجی است." (ایران تایمز ۷/۱۰/۷۱) چه کسی نمی داند که "شرکای کره ای ایران" همان شرکت های فرامالیستی آمریکایی و ژاپنی و اروپائی هستند که در کره جنوبی سرمایه گذاری کرده و اینک با همدستی "شرکای کره ای خود" برای یورش به سفره فراگسترده ایران در انتظار فرصت مساعدتر در کمین نشسته اند؛ روشن است که از متولیان "ولایت قیبه" که نوآوری را در کامپیوتری کردن "قیضیه" خلاصه می کنند و مسایل پیچیده اقتصادی- اجتماعی را، در بهترین حالت، با "امر به معروف" و تدابیر "ایدئولوژیکی" باب طبع خود حل و فصل می کنند انتظار نمی رود که برای دگرگون ساختن نظام اقتصادی به سود خلق گام بردارند. اما آقایان "کارشناسان" و "برنامه ریزان" که شعار کهنه و از رواج افتاده "دولت تاجر خوبی نیست" را از دهان کلان سرمایه داران آزمند می قاپند و با دستاویز قرار دادن آن این همه کثافتکاری می کنند، چه پاسخی دارند؟ آقایانی که تنها راه توسعه اقتصادی را در رشد مناسبات سرمایه داری جستجو می کنند، و در این راه نیز به کهنه ترین تئوری های کلاسیک سرمایه داری چسبیده، آن را راهنمای "برنامه ریزی های اقتصادی" خود قرار داده اند، چه می گویند؟

آیا تجربه ناموفق و ورشکسته توسعه مناسبات سرمایه داری خصوصی در زمان شاه، که اقتصاد کشور را به نابودی کشاند، نیروی کار را در حد یک کارگر ساده خلاصه کرد، همه پیشرفت های صنعتی و تکنولوژی را در صنعت "موتناژ" مسخ کرد، و با پرورای کردن بخش خصوصی، بدون آن که هیچ مشکل اجتماعی- اقتصادی را از میان بردارد، آن همه پیامدهای فاجعه بار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بار آورد، برای شما و کسانی چون شما عبرت آموز نبود؟ آن بخش

دموکرات های امپریالیست

جلوس بیل کلینتون به کرسی ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا متعاقب شکست جورج بوش، طراح "نظم نوین جهانی"، در برخی محافل سیاسی بحث هایی را دامن زده است. هستند نیروهای سیاسی ساده اندیش و زود باوری که امیدوار شده اند تحولات مثبتی در سطح جهان و مخصوصا در خاور میانه در دستور روز قرار گرفته است. متاسفانه این خوش خیالی غیر واقع بینانه ریشه در عدم درک واقعی ماهیت سیستم سیاسی حاکمه ایالات متحده دارد. اگر بخواهیم از نظر امکان دستیابی طبقات اجتماعی به قدرت سیاسی سخن بگوییم، آمریکا عملا یک سیستم سیاسی "تک حزبی" است که در آن فقط نمایندگان انحصارات فراملیتی امکان تصاحب قدرت حاکمه را دارند. حال در یک دوره قدرت در اختیار نمایندگان انحصارات اسلحه است و در دوره ای دیگر در اختیار انحصارات دیگر و تا آنجا که به مردم کشورهای در حال استثمار و حتی زحمتکش خود آمریکا مربوط است، در اساس مکانیزم های استثمار و بهره کشی و حفظ سیادت امپریالیستی تغییر نمی حاصل می شود. ریشه واقعی مشکل ساده اندیشان در این است که حزب دموکرات ایالات متحده آمریکا را به عنوان یک حزب سوسیال دموکرات و حتی یک حزب سوسیالیست قلمداد می کنند. در صورتیکه حزب دموکرات در ابتدا توسط صاحبان مزارع کشت پنبه که از برده داری حمایت می کردند تاسیس گردید و هیچگاه نه برنامه ای رادیکال تر از بازار آزاد و سرمایه داری یا "چهره انسانی" ارائه داده است و نه پتانسیل سکانداری تغییرات پایه ای به نفع زحمتکشان آمریکا و یا کشورهای جهان سوم را دارد. "انسانیت" ادعایی سرمایه داری حزب دموکرات هم همیشه مورد معامله قرار گرفته است.

در طول کارزار انتخاباتی، بیل کلینتون برای مقابله با اتهامات وارده از سوی کمپ جمهوریخواهان مبنی بر اینکه او در برخورد با جنایات نرم است، از اعدام یک مجرم از نظر مغزی علیل و صدمه دیده حمایت نمود. بیشک تمایلات بیل کلینتون از جورج بوش چپ تر است ولی این موقعیت نسبی را باید با توجه به مواضع اتخاذ شده از سوی مدیران کارزار انتخاباتی بوش، که عملا به جناح های هار، افراطی و راست مذهبی اجازه دادند که برنامه

سیاسی حزب جمهوریخواه را دیکته کنند، در نظر گرفت.

در واقع در تعریف شخصیت واقعی کلینتون به مثابه یک رئیس جمهور باید این نظر را پذیرفت که "پوسته بیرونی بیل کلینتون را کنار بزن، احتمالا جورج بوشی را پیدا خواهی کرد که در صدد بیرون جستن است." کلینتون کارنامه دراز مدت و پیگیری، در مخالفت با اتحادیه های کارگری در ایالت آرکانزاس که زیر کنترل او بوده است، دارد. او نیز با کتار گذاشتن پرده استتار دفاع از حقوق بشر خواستار تنگ تر کردن حلقه محاصره اقتصادی کوپا است. در مورد سیاست های اقتصادی قول داده است که کسری بودجه فدرال را بدون افزایش مالیات ها و یا کاهش هزینه ها بر طرف سازد!

البته نمی توان مدعی شد که هیچ تغییری صورت نخواهد گرفت. در واقع کلینتون مجبور است که برای حفظ پایگاه انتخاباتی برخی از وعده و وعیدهای خود را که در طول کارزار انتخاباتی در مورد مسایل و امکانات رفاه اجتماعی داده است، عملی سازد ولی این ها در عمل اقدامات محدودی بیش نخواهد بود. بهر تقدیر آنچه که مشخص است این است که نتایج انتخابات در سرزمین میلیاردرها و صاحبان کمپانی های نفتی و آسمانخراش ها، تاثیر مهمی در زندگی بیش از ۳۵ میلیون آمریکایی که در فقر زندگی می کنند، در از بین بردن آپارتاید که بخش هایی وسیع از کشور را با بحران روبرو نموده است و یا کاهش بودجه نظامی عظیم ایالات متحده نخواهد داشت. از آن بدتر، برنامه ریزان پنتاگون و کارتل های اسلحه اطمینان دارند که با تدارک آنها، کلینتون همان راه بوش را در قبال مسایل عمده بین المللی دنبال خواهد نمود. بپاراز عراق، تهدید به بازگرداندن بیخاتمان های هائیتی که با قایق بسوی آمریکا فرار می کنند، حضور سربازان آمریکایی در سومالی و سیاست طرفداری از صهیونیسم فقط نمونه هایی از این واقعیت تلخ می باشد. از این روست که ما فکر می کنیم آنهایی که انتخاب کلینتون به ریاست جمهوری را راه گشایی بسوی یک جهان بهتر و صلح آمیزتر می بینند، یا در جهان واقعی زندگی نمی کنند و یا سیاست های خشن "دموکرات" ها را در قبال کوپا، ویتنام و فلسطین به فراموشی سپرده اند.

برای اطلاع رفقا و دوستان حزب توده ایران

پس از مدتی توقف در انتشار مجله "دنیا" - نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران و مجله "مسایل بین المللی"، شماره اول از دوره ششم مجله "دنیا" و شماره اول از دوره جدید "مسایل بین المللی"، به همت رفقای حزبی، منتشر گردید.

باین ترتیب "دنیا" و "مسایل بین المللی" که جایشان، مدتی در بین مطبوعات چپ ایران خالی بود، در شرایط دشوار برای رزمندگان راه سوسیالیسم، به پاسداری از اهداف و آرمان های حزب توده ایران و دفاع از ایدئولوژی حزب طبقه کارگر ایران، مارکسیسم - لنینیسم، به میدان می آیند.

خواست مبرم رفقای حزبی و دوستان راه و روش حزب توده ایران برای انتشار این دو نشریه مهم بویژه در شرایطی که سرمایه انحصاری فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و پیدایی مشکلات بر سر راه جنبش کمونیستی و کارگری را جشن گرفته و می خواهد این عقب نشینی موقت در پروسه رشد و تکامل سوسیالیسم را به جای پایان حیات و مرگ مارکسیسم - لنینیسم معرفی کند، بیش از هر وقت دیگر برای حزب ما و پیوندگان راه سوسیالیسم علمی در مین ما ضرور می نماید.

"نامه مردم" فشمین تولد "دنیا" ۶۰ ساله را به رفقا و دوستان حزب توده ایران تبریک می گوید.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

کمک های مالی رسیده:

جمال	از سوئد	۱۰۰ کرون
رحیم	از سوئد	۲۰۰ کرون
اشرف	از سوئد	۳۰۰ کرون
زین	از سوئد	۲۰۰ کرون
به یاد رفیق شهید		
ناخدا افضلی	از دانمارک	۳۷۰ کرون
ناصر	از هامبورگ	۱۰۰ مارک
...	از برلین	۴۵۰ مارک

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 1000 Berlin 10, Germany

NO : 395

February 16, 1993

نامه
مردم